

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان

محسن ملکیان*

دکترای روابط بین الملل از دانشگاه ملی تاجیکستان

(تاریخ دریافت: ۱۰ تیر ۱۳۹۱ - ۲ دی ۱۳۹۱)

چکیده

با وجود گسترش روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان، مشترکات فرهنگی هنوز هم به عنوان اساسی‌ترین زمینه تحکیم پیوندها میان مردم این دو کشور محسوب می‌شود زیرا ریشه‌های تاریخی یکسان، زبان مشترک و دین واحد در کنار تشابه سنت‌ها، آیین‌ها و باورهای اجتماعی ملی و محلی، شرایط بی‌بدیلی را برای توسعه بیش از پیش مناسبات فرهنگی میان دو کشور فراهم آورده است. در پی استقلال جمهوری تاجیکستان در ۹ سپتامبر ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و سفارت خود را در شهر دوشنبه افتتاح کرد. در تبیین روابط بین دو ملت ایران و تاجیکستان فرهنگ می‌تواند نقش مهم و اساسی داشته باشد. ایران و تاجیکستان از لحاظ تاریخ، ارزش‌ها و سنت‌ها زمینه‌های مشترک و طولانی دارند. هدف این مقاله درک وجوه اشتراک و افتراق فرهنگ ایران و تاجیکستان و بررسی تطبیقی این دو فرهنگ در قالب ارتباطات بین فرهنگی است.

واژه‌های کلیدی

همگرایی، ایران، تاجیکستان، تاریخ، فرهنگ، روابط فرهنگی

* Email: drmmalekian@yahoo.com

مقدمه

علاقه جهانی به ارتباط‌های بین فرهنگی در عصر جدید با توجه به گسترش فزاینده تکنولوژی‌های نوین تشدید شده است. این موضوع نیز که فرهنگ از راه‌های ظریف و ریشه‌ای، بر ارتباط‌ها تأثیر می‌گذارد، پذیرفته شده است. درک تجربه‌های فرهنگی به ما کمک می‌کند تا بدانیم جهان چگونه است و چگونه در این جهان به تعامل بپردازیم. ارتباط‌های بین فرهنگی در کلی‌ترین مفهوم خود، زمانی به وجود می‌آید که عضوی از یک فرهنگ، پیامی را برای دریافت به وسیله عضوی دیگر به فرهنگ دیگری می‌فرستد.

به بیان دقیق‌تر ارتباط بین فرهنگی، ارتباط بین آن دسته از مردمی است که ادراک‌های فرهنگی و سیستم‌های نمادینشان به اندازه کافی مجزا هستند تا رویداد ارتباطی را تغییر دهند. در تاریخ بشر از علاقه افراد به یکدیگر نمونه‌های فراوانی وجود دارد، اما محبت و مهرورزی و علاقه یک قوم به قوم دیگر در جهان معاصر کم دیده نمی‌شود. علاقه مردم تاجیک به ایران، سرزمین اجدادی خویش و صف‌ناپذیر است. از محتوای افکار مردم تاجیک چنین بر می‌آید که آنان لزوم تحقق آرمان‌های خویش را در برقراری ارتباط فرهنگی با کشور ایران، به عنوان وارث اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی می‌دانند.

براین اساس مطالعه فرهنگ تاجیک با توجه به سنت‌های مشترک ایران و تاجیکستان در زمینه‌های تاریخی، زبان، مذهب، قومیت‌ها و به شکل کلی فرهنگ بسیار اهمیت دارد. فرهنگ ایران و تاجیکستان چنان در هم تنیده است که تفکیک آنها دشوار می‌نماید. مهم‌ترین مشخصه آن را شاید بتوان عنصر زبان به عنوان بخش مهمی از فرهنگ دانست. تاجیکستان یگانه کشور فارسی زبان در آسیای مرکزی است. عنصر زبان به همراه عناصر یادشده در پیچ‌های به سوی ارتباط‌های چهره به چهره به ویژه در زمینه فرهنگ می‌گشاید. البته با همه اشتراک‌های فرهنگی، آن اندازه ادراک‌های فرهنگی و سیستم‌های نمادین مجزا در این دو فرهنگ وجود دارد که مقایسه آنها مهم و جالب توجه باشد. این نوشتار به بررسی روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در دوران کمونیستی و پسا کمونیستی خواهد پرداخت.

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در دوران اتحاد شوروی

ایران و تاجیکستان، دو پاره از سرزمین «ایران بزرگ» هستند. ایرانی و تاجیک، دو شاخه از درخت تناور قوم آریایی، با تمدن، فرهنگ، زبان، نژاد و دینی یگانه هستند که در چند سده اخیر و به‌ویژه در سال‌های حاکمیت اتحاد شوروی از هم جدا شدند. اگرچه این دو کشور از نظر فیزیکی از هم جدا شدند، اما از نظر معنوی هنوز با هم هستند (Dolat, 2012, p. 1). در زمان اتحاد شوروی وقتی مرزبندی‌های سیاسی شروع شد تغییرهای فرهنگی به‌ویژه در زبان آغاز شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۷۰، صص ۹۰-۸۲). در سال ۱۹۳۴، الفبا به سرلیک و لاتین تبدیل شد و در سال ۱۹۴۰ دوباره به سرلیک روسی تبدیل شد (ایراس، ۲۰۱۲، ص ۱). با این وجود تعامل‌های گفتمانی هیچ‌زمان گسسته نشد. به‌وسیله بازرگان‌ها و شخصیت‌هایی که بین دو کشور سفر می‌کردند و ارمغانشان شعر و کتاب بود این پیوند برقرار می‌شد. با اینکه مرزها سیاسی بود و سیاست‌ها متفاوت، اما فرهنگ همان فرهنگ بود و یک ارتباط فکری در این منطقه همیشه وجود داشت. در زمان شوروی بیشتر شاعرهایی را مانند سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج، نادر نادرپور که از حزب توده و چپ بودند از ایران می‌شناختیم که با ایدئولوژی آن دولت موافق بودند.

البته تاجیک‌ها علاقه‌ای که به شعر و ادبیات ایران داشتند، بیشتر در بخش‌های سیاسی و اجتماعی بود. برای نمونه سعید نفیسی، ایرج میرزا، ملک‌الشعراى بهار، رهی معیری، سیمین بهبهانی و نادر نادرپور که وی به‌عنوان پدر شعر تصویرگرا معروف بود و تقریباً همه شاعرهای تاجیک تحت تأثیر او قرار گرفته بودند. پیش از آن شعر تاجیک بیشتر زیر تأثیر شعر روسی (شعرهای پوشکین) بود. سپس شاعرهایی مانند آنا‌آخمتوا آمدند که این روند کاهش یافت. اما وقتی شعر نادرپور آمد، برای نمونه شعر «در آغوش تو می‌میرم»، تأثیری چشمگیر بر ادبیات تاجیک گذاشت که شاید ادبیات صد ساله روسیه این تأثیر را نداشت. در زمینه نثر هم همین‌گونه، تاجیک‌ها با داستان‌های کوتاه محمدعلی جمال‌زاده، صادق چوبک، بزرگ علوی و دولت‌آبادی بسیار آشنا هستند. در مجموع آنان نه‌تنها با نظم و نثر ایران به‌صورت کامل آشنا بوده‌اند، بلکه با مطبوعات ایران مانند آثار صور اسرافیل در دوره مشروطه نیز آشنایی داشتند.

در فضای کمونیسم، ادبیات تاجیک هرچند که با شبکه وسیع ادبیات اتحاد شوروی پیوند خورد و تجربه‌های تازه‌ای را کسب کرد، اما سطح آن از نظر هنری و زیباشناسی نسبت به ادبیات کلاسیک به مراتب پایین‌تر رفت. شاعران این دوره بنا بر رهنمودهای حزب کمونیست ادبیات را وسیله تبلیغات ایدئولوژیک و برنامه‌های روزمره حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی قرار داده بودند (سنایی، ۱۳۸۸، ص ۸۸). بنابراین محتوای اصلی آثار آنان را فعالیت روزمره سیاسی - اجتماعی حزب تشکیل می‌دهد. بیشتر شاعران و نویسندگان اتحاد شوروی، از جمله تاجیکان که برآمد اجتماعی‌شان از طبقه کارگر و دهقان بود، به سیاست و برنامه‌های حزب و رهبران آن اعتقاد راسخ داشتند و همه اقدام‌های دولت را در جامعه تبلیغ و ستایش می‌کردند. انتظار حزب کمونیست نیز از آنان همین تبلیغات بود نه شعر و شعور. برای کمونیست‌ها موضوع مهم پیروی از هدف‌ها و سیاست آنها بود (Rubin, 1994, pp. 210-212).

سیر تحول ادبیات تاجیک در دوران اتحاد شوروی را می‌توان در چهار مرحله تقسیم‌بندی کرد: مرحله اول از سال ۱۹۱۷ پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه تا سال ۱۹۳۰ را در بر می‌گیرد. این مرحله از ادبیات را نمایندگان تمام قشرهای جامعه که از انقلاب استقبال کردند، به وجود آورده‌اند. هرچند آثار این دوره بیشتر شعاری و تبلیغاتی است، اما از نظر هنر بیان و روانی کلام به ادبیات گذشته نزدیک‌تر و نسبت به آثار بعدی خود قوی‌تر هستند. مرحله دوم، از سال ۱۹۳۰ شروع و تا سال ۱۹۶۰ ادامه پیدا می‌کند. آثار این دوره را بیشتر نسل کومسومول که تربیت شده مکتب اتحاد شوروی بودند و برآمد اجتماعی‌شان نیز از طبقه کارگر و دهقان بود، ایجاد کرده‌بودند. بخش بیشتر این آثار بدون ارزش هنری و ادبی بوده، با زبانی ساده و از نظر منطق و فکر ساده باور به نظر می‌رسند. این آثار از نظر موضوع و محتوا به صورت کامل مشابه هم بوده و در آن به ستایش حزب کمونیست، رهبران دولت اتحاد شوروی، نظام سوسیالیستی، کشف حجاب، مبارزه کارگران علیه استعمارگران و محکومیت امپریالیسم جهانی پرداخته می‌شد.

مرحله سوم، سال‌های ۱۹۶۰ تا سال ۱۹۸۵ را در بر می‌گیرد. شروع این مرحله از زمان محکومیت کیش استالین در اتحاد شوروی در سال ۱۹۵۶ بود که به دنبال آن موج جدید فکری در فضای اتحاد شوروی ایجاد شد. این دوره از ادبیات را دوره بیداری فکری در ادبیات شوروی تاجیک نام‌گذاری

کرده‌اند. زیرا در همین دوره است که اندیشه‌های ملی و توجه به مسئله زبان و فرهنگ ملی، احیای سنت و ارزش‌های ملی و موضوع خودشناسی ملی در ادبیات این دوره کم‌کم مطرح می‌شود. مرحله چهارم نیز سال‌های ۱۹۸۵ تا سال ۱۹۹۲، زمان کسب استقلال تاجیکستان را در بر می‌گیرد. در سال ۱۹۸۵، گورباچف سیاست بازسازی را در سراسر اتحاد شوروی اعلام کرد و به دنبال آن توفان اندیشه‌های ساکن مردم اتحاد شوروی به حرکت درآمد تا جایی که این امپراتوری بزرگ جهانی بر اثر همین توفان فروپاشید (Calabrese, 1994, pp. 26-31).

بنابراین با وجود محدودیت‌ها و اعمال چارچوب، قانون‌ها و دستورهای حزبی از یک سو و دیدگاه حزب به ادبیات و رسالت ادیبان، ادبیات شوروی تاجیک از ویژگی‌هایی نیز برخوردار شد. ویژگی اول آن مردمی بودن این ادبیات است. برای اولین بار از نظر سیاسی و اجتماعی ادبیات پارسی - تاجیکی در فرارود به زندگی مردم نزدیک می‌شود و دردهای واقعی آنها را با زبان خودشان بازگو می‌کند. ادبیات شوروی تاجیک از این نگاه یک ادبیات کاملاً مردمی بود. زیرا آثار آن توسط طبقه پایین جامعه، یعنی کارگر و دهقان آفریده شده است و در آن نشانی از اشرافیت و اشرافی‌گری دیده نمی‌شود. در همین دوره است که در ادبیات تاجیک به صورت جدی به موضوع‌های اجتماعی مانند وطن، آزادی انسان، قانون، حقوق زن و مسئله رشد علم و تکنولوژی می‌پردازد. مهم‌ترین ویژگی ادبیات شوروی تاجیک این است که به دور از محدودیت‌های ایدئولوژیکی و زبانی بیشتر آثار نثر و نظم این دوره به زبان تاجیکی - پارسی رایج در فرارود آفریده شده است که این امر برای حفظ زبان مادری و ارزش‌های ملی از خطر نابودی، بسیار با اهمیت بود.

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در دوره پساکمونیستی

ریشه‌های اساسی در روابط دو کشور شاخصه‌های فرهنگی است. تاریخ، آداب و رسوم، سنت‌ها، زبان و میراث مشترک نشان می‌دهد که دو کشور ایران و تاجیکستان از یک پیشینه قوی فرهنگی تغذیه می‌کنند (ICRO, 2012, p. 9). تلاش‌های ۷۴ ساله کمونیست‌ها در تغییر خط و زبان نیز نتوانست این موارد مشترک را کم رنگ کند. پس از استقلال، مردم تاجیکستان خواستار ارتباط با کشورهای فارسی زبان، به‌ویژه ایران بودند. فرهنگ مشترک دو کشور سبب شده است که مردم و روشنفکران تاجیک، ایران را کشور دوم خود بدانند و معتقد هستند

تاجیکستان نقطه جدا شده‌ای از محدوده فرهنگی ایران است و به شکل طبیعی برقراری ارتباط فرهنگی از اولین خواسته‌های این گروه‌ها بود.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تأسیس دولت‌های نویناد در امپراتوری گذشته که پانزده جمهوری را شامل می‌شد؛ مهم‌ترین برآیند ائتلاف نیروهای چالش‌گر در استقرار نظامی نوین مبتنی بر ارزش‌های تازه بوده است. در این میان فرهنگ از نظر تأثیر و عمق آن بر حیات سیاسی - اجتماعی ملت‌ها، جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. هویت و ماهیت فرهنگی در منطق رقابت، به شکل کلی و آسیای مرکزی به شکل خاص، امروزه بر اثر سیاست‌های «جهانی سازی» در حال محو شدن است و هنجارها و ارزش‌ها در این جامعه‌ها در حال جابجایی با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌های غربی هستند و بدون توجه به تفاوت‌های آشکار ساختاری و ارزشی این جامعه‌ها با جامعه‌های غربی، فرایند یکسان سازی فرهنگی دنبال می‌شود (کولایی، ۱۳۷۲، ص ۲۹۹). احیای پیوندهای دیرینه ایرانی‌ها و مردم آسیای مرکزی به صورت کلی و تاجیکستان به صورت خاص که از درون ارزش‌های مشترک برخاسته، می‌تواند در قالب گفت‌وگو واقع‌گرایی آنها را به یکدیگر نزدیک کند. همچنین پیوندهای مشترک زیادی می‌تواند برای هر دو ملت قابل توصیف باشند که بدان می‌پردازیم. جمهوری اسلامی ایران در کشور تاجیکستان از امتیازهای فراوان زیر بهره‌مند است:

الف- هم‌آئینی و هم‌کیشی

بیشتر جمعیت کشور حدود پنج میلیونی تاجیکستان، مسلمان هستند (WorldPress, 2012, p. 1). با آنکه سال‌های زیادی حاکمیت کمونیست، مسلمان‌های این منطقه را به زیر حکومت و نفوذ خود کشانده و مسجدهای آنها را تخریب کرده بود ولی هرگز نتوانست اسلام را از باورهای مردم این منطقه بزدايد (Dellenbrant, 1371, p. 355). تعیین اسم‌های اسلامی برای فرزندان، رعایت آداب و رسوم مذهبی، پایبندی به عبادت‌هایی مثل روزه، نمونه‌هایی از این پایداری است.

ب- نزدیکی جغرافیایی

با توجه به اینکه تاجیکستان محصور در خشکی است، موقعیت جغرافیایی ایران می‌تواند، دسترسی آنها را به دریای آزاد فراهم کند. تاجیکستان از راه ایران می‌تواند با اروپا

ارتباط پیدا کند و با استفاده از بندرهای ایران به خلیج فارس و نقاط دیگر جهان دست یابد. ایران با توانایی تولید کالاهای واسطه‌ای و یا مصرفی و منابع انرژی دارد که سبب شد نسبت به سایر کشورها برتری قابل توجهی داشته باشد. همچنین تجربه و مهارت‌های فنی ایران در زمینه اکتشاف، تولید و پالایش نفت و گاز و سدسازی برای تاجیکستان بسیار سودمند است.

ج- پیوندهای فرهنگی - تاریخی

پیوندهای فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به‌ویژه تاجیکستان، به گذشته‌ای باز می‌گردد که کشورهای آن منطقه با ایران سرنوشت مشترکی داشته‌اند. قلمرو جغرافیایی واحد در گذشته سبب شده بود که این کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که امروزه برخی آداب و رسوم در آسیای مرکزی پابرجا مانده که حتی در ایران که پدید آورنده آن سنت‌ها بوده، فراموش شده است (مهاجرانی، ۱۳۷۲، ص ۱۴).

فراوانی مشاهیر مشترکی که هم ایرانی‌ها و هم تاجیک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها و ازبک‌ها به داشتن آنان افتخار می‌کنند، جنبه دیگری از پیوندها است. رودکی، فردوسی، بوعلی، شیخ نجم الدین کبری، فارابی، ابوسعید ابوالخیر، زمخشری، انوری ابیوردی، خوارزمی، خواجه یوسف همدانی، میرسیدعلی همدانی و کسایی مروزی از مشاهیری هستند که ملت‌های این منطقه هویت فرهنگی خود را مدیون آنها می‌دانند. بسیاری از قوم‌های ساکن در این منطقه مسلمان و بیشتر حنفی مسلک هستند و محبت اهل بیت(ع) را بر خود فرض می‌دانند. وجود میراث مکتوب و ارزشمند مشترک ما در کتابخانه‌ها و موزه‌های کشورهای آسیای مرکزی که در حوزه پژوهش اعتبار بسیار بالایی دارند، خود گویای این اشتراک‌ها است (عطائی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴).

د- اشتراک زبانی

مردم کشور تاجیکستان بیشتر فارسی زبان هستند و صحبت کردن به زبان فارسی دری در میان ایشان رواج دارد. شاعرهای بسیار بزرگی همچون صدرالدینی عینی، گلرخسار و دیگران

از میان مردم تاجیک برخاسته‌اند و شعرهای آنها در میان مردم ادب دوست آن منطقه با استقبال مواجه شده است (شهمیرزادی، ۱۳۷۵، صص ۵۶-۲۴).

ه- روابط متقابل

فرهنگ ایرانی همواره در میان مردم تاجیکستان قابل قبول بوده است و بی‌تردید این فرهنگ اصیل، زمینه گسترش در این کشور را دارد. بزرگداشت نوروز در کشور تاجیکستان نشان از میزان تأثیر پذیری آنان از فرهنگ ایرانی دارد (Asia Times, 2012, p. 1). نوروز با اینکه در زمان اتحاد شوروی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود، ولی هیچ‌گاه جایگاه خود را از دست نداد. از نوروز به‌عنوان «سر سال» یاد می‌شد. این سنت به‌عنوان سنتی است که از گذشتگان ما آمده و ریشه‌های ما با آن پیوند دارد. نوروز در واقع روز نو است. در فرهنگ تمام ملت‌ها جدا از زبان و مذهب، نوروز به گونه‌های مختلف وجود دارد. نوروز روز نو شدن و شادمانی زمین و آسمان است. طبیعی است که این مراسم پس از فروپاشی اتحاد شوروی از شکوه بیشتری برخوردار شد. اولین جشن جهانی نوروز در ایران و سال بعد در تاجیکستان برگزار شد. با تلاش تاجیکستان، ایران و یونسکو، سازمان ملل متحد موافقت کرد این جشن به‌عنوان جشن جهانی اعلام شود.

در بیست سال اخیر رئیس‌جمهورهای ایران در دوره‌های مختلف هشت بار به تاجیکستان سفر کرده‌اند که شش بار آنرا محمود احمدی‌نژاد انجام داده است. از سوی دیگر، امام‌علی رحمان رئیس‌جمهور تاجیکستان نیز تاکنون سیزده بار به ایران سفر کرده و در هر سفر روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف گسترش یافته است. ضمن آنکه رئیس‌جمهورهای دو کشور در حاشیه نشست‌های مختلف نیز با یکدیگر گفت‌وگو کرده و رابطه نزدیکی داشته‌اند.

در حقیقت برگزاری جشن نوروز در تاجیکستان و گردهمایی رئیس‌جمهورهای کشورهای فارسی‌زبان در این مراسم، که دو دوره قبلی آن در ایران برگزار شد؛ می‌تواند گامی مؤثر در اتحاد و همبستگی فرهنگی کشورهای پارسی‌زبان باشد (Presstv, 2012, p. 1). به هر حال نوروز، امروزه جشنی جهانی است و استفاده از این فرصت فرهنگی می‌تواند گامی در راستای توسعه دیپلماسی فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن برای از میان برداشتن سنت‌های اصیل ایرانی-اسلامی باشد. فعالیت‌های فرهنگی ایران در مناطق مختلف جهان یک ضرورت است. به‌ویژه آنکه فعالیت

فرهنگی، زمینه‌ساز مناسبی در جهت سرعت بخشیدن روابط سیاسی نیز هست و تأثیرپذیری فعالیت فرهنگی از تغییر در روابط سیاسی همواره در پایین‌ترین سطح بوده است. به همین دلیل پرداختن به ایجاد و تقویت روابط فرهنگی ضرورتی جدا نشدنی است.

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد مرحله تازه‌ای شد (Eurasianet, 2011, p. 1). جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و سفارت خود را در پایتخت این کشور در روز ۲۱ ژانویه ۱۹۹۲ در شهر دوشنبه به شکل رسمی افتتاح کرد. به این مناسبت یک گروه بلند پایه سیاسی و فرهنگی ایران به ریاست عباس ملکی نماینده ویژه رئیس جمهوری و معاون وزیر امور خارجه وقت به تاجیکستان اعزام شدند. از همان زمان تبادل گروه‌های بلند پایه بین دو کشور و امضای توافق‌نامه‌های متعدد سبب گسترش روابط دو کشور شد. مجسمه فردوسی در مرکز شهر دوشنبه جایگزین مجسمه لنین شد. پرواز هوایی دوشنبه-تهران افتتاح شد. رهبران بلند پایه هر دو کشور در تهران و دوشنبه دیدار کردند و قراردادهای تفاهم‌نامه‌های مهمی بسته شد. در مقابل در آخر ژوئن سال ۱۹۹۲ یک گروه بلند پایه به ریاست رئیس جمهور وقت تاجیکستان رحمان نبی اف به ایران سفر کرد. در این سفر میان تاجیکستان و ایران پنج سند مهم به امضاء رسید که دو سند آن مربوط به همکاری‌های علمی و فرهنگی بود.

در سفر رسمی رئیس جمهور تاجیکستان امام‌علی رحمان به ایران که در ژوئن ۱۹۹۵ انجام شد سفارت تاجیکستان در ایران افتتاح شد و میان دو کشور ۸ توافق‌نامه مهم دیگر به امضاء رسید. در دسامبر ۱۹۹۶ هنگام سفر حسن حبیبی، معاون اول رئیس جمهور ایران به تاجیکستان ۱۱ تفاهم‌نامه مختلف از جمله همکاری‌های فرهنگی و در مه ۱۹۹۷، هشت سند مهم میان این دو کشور به امضاء رسید. همچنین در سومین سفر رئیس جمهوری تاجیکستان به ایران در دسامبر ۱۹۹۸ سند‌های مهمی شامل گسترش روابط دوستی و همکاری‌های متقابل سودمند بین ایران و تاجیکستان به امضاء رسیده‌اند.

سفر رسمی سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، به تاجیکستان در مه ۲۰۰۲ بر روابط همه جانبه این دو کشور هم فرهنگ و هم زبان تأثیر عمیقی گذاشت. در این سفر اعلامیه مشترک تاجیکستان و ایران پیرامون گسترش روابط دو جانبه به امضاء رسید که در

بخش فرهنگی آن چنین آمده است: دو طرف با در نظر گرفتن عمومیت میراث فرهنگی، همکاری‌های خود را در بخش آموزش، نشر و حفظ این میراث ادامه می‌دهند. این همکاری رابطه بین دانشگاه‌ها، مؤسسه‌های آموزش عالی، مراکز تحقیقاتی و تکنولوژیک، اجرای طرح‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی مشترک و مبادله استادها و دانشجوها، کمک هزینه تحصیلی و بخش‌های دیگر را فرا خواهد گرفت. دو طرف همکاری‌های خود را در زمینه صدا و سیما و رسانه‌های خبری گسترش خواهند داد (New Europe, 2012, p. 1).

سفرهای گروه‌های عالی رتبه دو کشور و امضای سند‌های مهم تحکیم دوستی و همکاری، امکاناتی فراهم آوردند که میان نهادهای فرهنگی نیز چندین توافق‌نامه همکاری به امضا رسید (مانند توافق‌نامه میان وزارت علوم تحقیقات و فناوری ایران با وزارت معارف تاجیکستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و وزارت فرهنگ تاجیکستان، صدا و سیما ایران و تاجیکستان، بنیاد فرهنگی تاجیکستان و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران، انتشارات سروش ایران و بنیاد فرهنگ تاجیکستان، کتابخانه ملی ایران با دانشکده هنر تاجیکستان). به صورت کلی، روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان را می‌توان در این موارد بررسی کرد:

روابط ادبی و تعامل در زمینه ادبیات، نشر علم و معارف

ادبیات و شعر، جایگاه مهمی در میان تاجیک‌ها دارد. زندگی بدون شعر برای آنها مفهومی ندارد. آنها به شعر کلاسیک عشق می‌ورزند و حافظ، بیدل، مولانا، سعدی، خیام، فردوسی، لاهوتی و دیگران در زندگی آنها حضوری دائمی دارند. شاهنامه فردوسی در رأس فرهنگ عامیانه تاجیک‌ها قرار دارد. روابط ادبی تاجیکستان و ایران در زمان اتحاد شوروی گرچه وجود داشت، اما این برای هر دو کشور کافی نبود. نخستین اثر ادبی مربوط به ادبیات نوین تاجیک که در ایران منتشر شد، داستان «آدینه» اثر صدرالدین عینی بود که در سال ۱۹۲۷ در مجله «سخن» چاپ شد. از آن زمان به بعد، نمونه‌های نثر و نظم ادبیات تاجیک در مطبوعات ایران، به‌ویژه نشریه‌های فرهنگی و ادبی تقدیم خوانندگان می‌شد. در سال‌های ۱۹۵۳، ۱۹۵۹، ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ پاره‌ای از یادداشت‌های صدرالدین عینی، نمونه‌هایی

از اشعار عبدالسلام دهاتی، باقی رحیم‌زاده، امین‌جان شکوهی، مؤمن قناعت و لایق شیرعلی و موجوده حکیم‌آوا به چاپ رسیده بود.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی بیش از همه روابط ادبی گسترده‌تر شد. در سال‌های اول استقلال تاجیکستان، اشعار زیادی از شاعرهای تاجیکستان در چندین مجله ایران چون آینده، سیمرخ، ترانه، ایران شناخت، کیهان فرهنگی، پویش، آشنا، پیام نوین، یغما، بخارا، شهر، فروهر، کلک، اطلاعات، ایران، شرق، آفرینش و همچنین مقاله‌های علمی در مورد تاجیکستان چاپ شدند. کتاب «خورشیدهای گمشده» که شامل نمونه اشعار یک‌صد شاعر قرن ۲۰ تاجیکستان است، در سال ۱۹۹۸ به کوشش علیرضا قزوه، شاعر معاصر ایرانی منتشر شد. همچنین در سال‌های اخیر، کتاب‌هایی از استاد صدرالدین عینی، میرزا سراج حکیم، مؤمن قناعت، لایق شیرعلی، گلرخسار صفی، عاشور صفر، عبدالحمید صمداف، گلنظر کیلیدی، فرزانه خجندی، مهمان بختی، عسکر حکیم، محمدزمان صالح، رحمت نذری، محمدعلی عجمی و دیگران به‌وسیله انتشارات الهدی، سروش، بوعلی، بلخ، به‌آگاه و حوزه هنری تهران منتشر شده است (شکورزاده، ۱۳۸۵، صص ۶۴-۲۳).

در تاجیکستان، مجموعه اشعار امام خمینی (ره)، ایرج میرزا، محمدحسین شهریار، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، فرخی یزدی، خلیل سامانی، هوشنگ ابتهاج (سایه)، ژاله اصفهانی، سیاوش کسرایی، نادر نادریپور و در زمینه ادبیات داستانی، گزیده آثار نثر بزرگ علوی، محمد حجازی، مرتضی مشفق کاظمی، پرویز قاضی سعید، خسرو خوارزمی و نیز کتاب‌های نثر و نظم از جمله «امواج قارون»، «گل خندان»، «حکایت‌های نویسندگان معاصر ایران»، «پیوند»، «زنجیر گسسته» به‌وسیله انتشارات مختلف تاجیکستان در دسترس خوانندگان تاجیکستانی قرار گرفته است. در فوریه سال ۱۹۹۲ به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در مارس همان سال به مناسبت جشن نوروز در شهر دوشنبه نمایشگاهی از کتاب‌های ایرانی تشکیل شد. در پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب که در مه ۱۹۹۲ در تهران تشکیل شد، یک گروه ۲۳ نفره فرهنگیان تاجیکی شرکت کردند. همچنین در آوریل ۲۰۰۲ یک گروه ده نفره از فرهنگیان تاجیک در پانزدهمین جشنواره بین‌المللی کتاب تهران شرکت کردند.

در سال ۱۹۹۶، در چهاردهمین دوره «کتاب سال» ایران، رمان «فردوسی» ستم الغزاده عنوان «کتاب سال» را دریافت کرد. همچنین آثار عبدالرحمان جامی، پژوهش اعلاخان افصح

زاده در سال ۲۰۰۲ و کتاب «واژه‌نامه فارسی میانه» نوشته دکتر سیم الدین‌اف در سال ۲۰۰۲ در ایران به‌عنوان کتاب برگزیده انتخاب شدند. کتاب علی اصغر شعر دوست هم با عنوان «چشم انداز شعر امروز تاجیک» از سوی وزارت فرهنگ تاجیکستان بهترین کتاب سال ۱۹۹۸ اعلام شد. همکاری ایران و تاجیکستان در سایه نشر بسیار خوب بوده است به‌شکلی که در ایران پژوهش‌های دانشمندهای تاجیک مانند بابا جان غفوراف، عبدالغنی میرزایف، افصح زاده، نظراف، کمال عینی، ولی صمد، جوربیک نظراف و امان اف به چاپ رسیده است.

روابط هنری در زمینه‌های موسیقی، فیلم، تئاتر و سینما

روابط هنری دو کشور هم فرهنگ و هم زبان تاجیکستان و ایران در رشته‌های موسیقی، تئاتر و سینما بیشتر براساس برگزاری جشنواره‌ها و سفرهای گروهی و فردی هنرمندان به کشورهای یکدیگر و مکاتبه‌های میان آنها صورت می‌گیرد. موسیقی در تاجیکستان جایگاه ویژه‌ای دارد. مردم تاجیک در مورد موسیقی ساده پسند هستند و گوش آنان با موسیقی آرام و سنتی چندان آشنا نیست. موسیقی شاد و تصنیف را ترجیح می‌دهند. همچنین علاقمند به موسیقی پاپ ایرانی هستند. در آوریل ۱۹۹۰ استاد محمدرضا شجریان به همراهی گروه موسیقی سنتی «مولانا» در جشن ۱۴۰۰ سالگی باربد مروزی در تاجیکستان هنرنمایی کردند.

در فوریه ۱۹۹۲، در هفتمین جشنواره موسیقی «دهه فجر» گروه هنری آدینه هاشم و گروه هنری «فلک» به سرپرستی دولتمند خالاف شرکت و برنامه اجرا کردند. در اوت ۱۹۹۲ گروهی از هنرمندان تاجیک شامل ظفر ناظم، حکیم محمود، معروف‌خواجه بهادر و دانه بهرام به ایران سفر هنری داشتند. سال ۱۹۹۷ در مراسم سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک گروه هشت نفری از هنرمندان تاجیک شرکت و هنرنمایی کردند. در نوامبر ۱۹۹۷ یک گروه دوازده نفری اهل ساز و آواز ایرانی، میهمان دوستداران و علاقمندان موسیقی در شهر دوشنبه بودند.

در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۹۸ یک گروه پانزده نفری هنرمند تاجیک شامل گروه «شش مقام» صدا و سیمای تاجیکستان به رهبری الماس عبدالله و گروه

«باربد» به رهبری سنگین‌مراد قربان، همچنین طالب شهیدی، مستانه ارگشاوا، سعادت عمراوا و شاهده هاشم‌اوا به ایران سفر و هنرنمایی کردند. در جشنواره بین‌المللی موسیقی «دهه فجر»، که فوریه ۱۹۹۹ در تهران برگزار شد، گروه هنری «فلک» به رهبری دولت‌مند خالاف شرکت کرد.

در فستیوال بین‌المللی دهه فجر سال ۲۰۰۰ در تهران دسته سامان از تاجیکستان با رهبری قربانعلی رحمان شرکت داشت و به دریافت چنگ زرین نایل شد. در روزهای جشن نوروز سال ۲۰۰۱ گروه هنری «ساقیا» از ایران، در شهرهای کولاب، گورکان تپه و دوشنبه هنرنمایی کردند. در سال ۱۹۹۲ گروه تئاتر «اهارون» تاجیکستان، در جشنواره بین‌المللی تئاتر «دهه فجر»، نمایشنامه «یوسف گمگشته» را به کارگردانی فرخ قاسماف به نمایش گذاشت که موفق به دریافت جایزه نشان طلای جشنواره شد. این گروه در سال ۱۹۹۴ برای بار دوم به ایران سفر کرد و در طول ده روز نمایشنامه‌های «یوسف گمگشته» و «اسفندیار» را به نمایش گذاشت. در روزهای جشن نوروز سال ۱۹۹۳ گروه تئاتر «پیام دوستی» ایران که به تاجیکستان سفر کرد، نمایشنامه «چله‌نشین» اثر مسعود سمیعی را به کارگردانی مصطفی عبداللهی پیشکش تماشاگران تاجیک کرد.

سپتامبر ۱۹۹۴، در ایام جشن هزاره «شاهنامه» فردوسی، تئاتر «اندیشه» از ایران نمایشنامه «اسفندیار» اثر علی چراغی به کارگردانی حسین فراهی را در تالار لاهوتی شهر دوشنبه تقدیم هنر دوستان کرد. در سال ۱۹۹۹ تئاتر لاهوتی تاجیکستان در هفدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر «دهه فجر» نمایشنامه «بهرام چوبینه» را به کارگردانی توره‌خان احمدخاناف به تماشاچیان ایرانی نشان داد. سال ۲۰۰۱ تئاتر دولتی شهر کولاب با نمایشنامه «امیر کبیر» اثر محمد غائب در سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر «ایران‌زمین» شرکت کرد.

از ۲۶ نوامبر تا ۶ دسامبر ۱۹۹۰ جشنواره فیلم‌های ایرانی در شهر دوشنبه برگزار شد. در این جشنواره که گروهی از هنرمندا و کارشناس‌های سینمای ایران شرکت داشتند، در ۱۰ روز در سینماهای پایتخت تاجیکستان ۲۰ فیلم جدید ایرانی به نمایش گذاشته شد. درآمد حاصل از نمایش این فیلم‌ها به حساب بنیاد ساخت مجسمه حکیم ابوالقاسم فردوسی در میدان آزادی شهر دوشنبه واریز شد.

در سپتامبر ۱۹۹۱ جشنواره بین‌المللی فیلم «همسایه‌ها» در شهر دوشنبه برگزار شد. پس از آن در مه ۱۹۹۳، در شهر دوشنبه هفته فیلم‌های ایرانی برگزار شد که در آن ۷ فیلم بلند به نمایش درآمدند. در چند سال اخیر، ایران تعدادی فیلم و سریال را به تاجیکستان اهدا کرد که از تلویزیون تاجیکستان به نمایش درآمدند. در ایران نیز چند فیلم تولید «تاجیک فیلم» از جمله فیلم‌های ساخته شده براساس «شاهنامه» ابوالقاسم فردوسی به نمایش درآمدند.

یکی از کارگردان‌های سینمای ایران در سال ۱۹۹۸ بخش زیادی از فیلم «سکوت» را در تاجیکستان تهیه کرد، به گونه‌ای که در آن چند نفر از تاجیک‌ها نیز نقش آفریدند. در سال ۱۹۹۷ سردبیر «تاجیک فیلم» خانم گل اندام محبت اوا در سمینار «حضور زن در سینمای معاصر» در شهر تهران شرکت کرد. در مه ۱۹۹۸ یک گروه ۷ نفری فیلم‌برداری ایرانی مهمان تاجیکستان شده و از مراکز تاریخی و فرهنگی آن، فیلم‌های دیدنی تهیه کردند. در سریال تلویزیونی شکرانه، که در سال ۲۰۰۷ در دو کشور ایران و تاجیکستان ساخته شد، هنر پیشه‌های تاجیکی به همراه هنرمندان ایرانی به نقش آفرینی پرداختند.

روابط علمی و آموزشی

با هدف آموزش و تحقیق گویش‌های زبان فارسی تاجیکی در سال ۱۹۹۴ با همکاری معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه ایران و همکاری پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی فرهنگستان علوم تاجیکستان در شهر دوشنبه پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی تأسیس شد. «فرهنگ زبان یغناپی» در سال ۱۹۹۶ و «فرهنگ مصادر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی تاجیکستان» در سال ۱۹۹۸ از سوی بنیاد بین‌المللی زبان فارسی تاجیکی برنده جایزه مولوی شدند. نخستین قرارداد همکاری علمی تاجیکستان و ایران میان آکادمی علوم تاجیکستان و دانشگاه مشهد در سال ۱۹۹۶ به امضا رسید. هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران به عضویت فرهنگستان علوم تاجیکستان پذیرفته شد و محمدجان شکوری و عبدالقادر نیازاف به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی ایران پذیرفته شده‌اند.

با کوشش ایران در تاجیکستان، کتابخانه‌هایی در شهرهای دوشنبه، خجند، کولاب، خاروغ، کانی بادام، پنجکنت و استروشن (اوراتپه) و اتاق‌های ایران در دانشکده ادبیات دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان و دانشگاه دولتی خجند تأسیس شده است. آرامگاه‌های استاد رودکی در شهر پنجکنت، میرسیدعلی همدانی در شهر کولاب و تعدادی مسجد در نواحی مختلف تاجیکستان ترمیم شده‌اند. همچنین به پژوهشگاه‌های فرهنگستان علوم تاجیکستان و مراکز آموزش عالی تاجیکستان چندین هزار جلد کتاب در رشته‌های گوناگون علمی اهدا کرده است.

در سال ۲۰۰۲، سند همکاری میان وزارت علوم و تحقیقات ایران با وزارت معارف تاجیکستان در مورد تبادل استاد و دانشجو و اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان به امضا رسید. همچنین همکاری‌های دانشمندی ایران و تاجیکستان در زمینه‌های طب، زمین‌شناسی، کشاورزی و صنعت گسترش یافته است. برگزاری سمینار بین‌المللی علمی «دولت و تمدن سامانیان» در شهر دوشنبه و مجمع علمی «تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان» در شهر مشهد به مناسبت ۱۱۰۰ سالگی تأسیس دولت سامانیان با همکاری بنیاد فرهنگ تاجیکستان و دیگر نهادهای فرهنگی تاجیکستان و چاپ کتاب «سامانیان و احیای تمدن فارسی تاجیکی» در دو جلد جداگانه با حروف فارسی و کریلی که حاوی مقاله‌های دانشمندی تاجیک است و همچنین نشر مجله «ارمغان» با همکاری بنیاد فرهنگ تاجیکستان با خط سیریلیک از دیگر کارهایی است که ایران در تاجیکستان انجام داده است. در سال ۲۰۱۲، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به مناسبت هفته فرهنگی ایران در تاجیکستان بخشی از ۲۰ هزار جلد کتابی را که در قالب هفته فرهنگی به این کشور انتقال یافته بود، در اختیار کتابخانه مجلس تاجیکستان و بخشی را در اختیار کتابخانه میرسید علی در کولاب قرار داد.

گسترش روابط و همکاری با ایجاد مراکز فرهنگی در دو کشور

در گسترش روابط فرهنگی و تحکیم بخشیدن به دوستی و همکاری میان فرهنگ ایران و تاجیکستان نهادهای فرهنگی ایران نقش زیادی داشته‌اند. تاجیک‌ها با دستاوردهای فرهنگی ایران و ایرانی‌ها با دستاوردهای فرهنگی تاجیکستان بهتر و بیشتر آشنایی پیدا کرده‌اند (موجانی، ۱۳۷۹، ص ۳۱). ایران در پاسخ به درخواست‌های متعدد اهل فرهنگ و

اندیشه و مردم تاجیکستان، اقدام به تأسیس کتابخانه‌هایی در منطقه‌های مختلف تاجیکستان کرده است (Farhangenaghz, 2012, p. 8).

کتابخانه رایزنی فرهنگی با بیش از هشت هزار جلد کتاب در علوم مختلف قرآن و معارف اسلامی، ایران‌شناسی، هنر، شعر، زبان و ادبیات فارسی و مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف به مراجعه‌کنندگان خدمات می‌دهد. بخش نوار موسیقی اصیل و معاصر ایرانی از بخش‌هایی است که همه روزه به عموم مراجعه‌کنندگان خدمات ارائه می‌دهد.

دراثاق‌های فرهنگ ایران در تاجیکستان وسایل و لوازم‌های ضروری جهت انجام مطالعات ایران‌شناسی و پژوهش فراهم شده است. همچنین کتاب‌ها و مجموعه مقاله‌های شاعرها و دانشمندهای تاجیک به چاپ رسیده است. نشر مجله‌های «پیام اندیشه» و «رودکی»، پدیده‌ای تازه در حیات فرهنگی و روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان است. در این مجله‌ها مقاله‌های دانشمندهای ایرانی و تاجیکی پیرامون تاریخ، ادبیات، زبان و دیگر رشته‌های علمی با خط فارسی و سیریلیک در دسترس خواننده‌های تاجیک و ایرانی قرار گرفته است. نمایش فیلم‌ها در «کاخ سینماگران» برای شهروندان تاجیکستان به شکل رایگان از دیگر کارهایی است که صورت گرفته است. در طول چند ماه، بیش از ۵۰ فیلم ایرانی به نمایش در آمدند. برگزاری نمایشگاه فرهنگی - هنری یاد یار در دسامبر ۲۰۰۲ که مورد استقبال اهل فرهنگ تاجیکستان قرار گرفت از دیگر اقدام‌های ایران بوده است (Pravda, 2012, p. 7).

دفتر انجمن دانشجویهای ایرانی در تاجیکستان نیز در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۹ در شهر دوشنبه گشایش یافت. در سال ۲۰۰۹ تعداد دانشجویهای ایرانی که در تاجیکستان مشغول به تحصیل هستند، به ۱۵۰۰ رسید و مدارک ۱۰ دانشگاه این کشور به تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران رسیده است. کتابخانه پژوهش‌کننده شناخت مذاهب که کتاب‌های دینی را از منابع مختلف گرد می‌آورد، با همکاری ایران و مرکز اسلامی تاجیکستان بنیاد نهاده شده است. این کتابخانه در ۶ اکتبر ۲۰۰۹ در مسجد مرکزی شهر دوشنبه گشایش یافت. به این ترتیب پس از فروپاشی اتحاد شوروی، همکاری‌های فرهنگی و علمی میان دو کشور رو به گسترش بوده است که افزون بر این موارد می‌توان به موارد زیر هم اشاره کرد:

- ۱- برگزاری مشترک فستیوال موسیقی فرارود، ۲- انتشار مجموعه ادبیات معاصر تاجیکستان، ۳- تبادل گروه‌های موسیقی و تئاتر دو طرف، ۴- اعزام مرمت‌کار برای

گذراندن دوره آموزش آثار قدیمی و نسخه‌ای، ۵- راه‌اندازی کالج انفورماتیک، ۶- تسهیل اعطای بورس‌های آموزشی برای دوره‌های تحقیقات عالی به دانشجویهای برجسته تاجیک، ۷- ارائه فرصت‌های پژوهشی و آموزشی به دو طرف، ۸- افتتاح بخش مطالعات و پژوهش‌ها در وزارت تاجیکستان به کمک وزارت خارجه ایران، ۹- افتتاح ساختمان جدید پژوهشگاه ادب فارسی و تاجیکی، ۱۰- برگزاری سمینار بزرگداشت مقام خواجه عبدالله رودکی در شهر پنجکنت، ۱۱- اعطای جوایز به هنرپیشه‌های تاجیکی، ۱۲- ارائه فهرست نسخه‌ای خطی موجود در تاجیکستان، ۱۳- روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان در قالب برگزاری همایش‌های مشترک، ۱۴- شرکت نمایندگان اهل علم و ادب و هنر این دو کشور در همایش‌های علمی، جشنواره‌های هنری فیلم، تئاتر، موسیقی، ۱۵- چاپ و نشر آثار علمی و ادبی، ۱۶- سفرهای گروهی و فردی فرهنگیان دو کشور ایران و تاجیکستان، ۱۷- برگزاری هزاره شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی و ۶۸۰ سالگی میرسیدعلی همدانی، ۱۸- برگزاری همایش بین‌المللی دولت و تمدن سامانیان به مناسبت جشن ۱۱۰۰ سالگی دولت سامانیان در تاجیکستان و ایران.

نتیجه

گسترش روابط فرهنگی ایران با تاجیکستان از همان روزهای آغاز استقلال این کشور مورد توجه قرار گرفته است. همچنین موافقت‌نامه‌های فرهنگی بین ایران و تاجیکستان به امضای دو طرف رسیده و زمینه‌های رسمی این روابط نیز پدید آمده است. به نظر می‌رسد راه-کارهای زیر می‌تواند به گسترش این روابط کمک زیادی کند:

۱- توسعه همگرایی فرهنگی

تأکید بر اشتراک‌های تاریخی می‌تواند در توسعه همگرایی فرهنگی ایران با تاجیکستان تأثیر زیادی داشته باشد. به‌ویژه آنکه بازایی هویت گذشته جزء برنامه‌های بلند مدت کشور تاجیکستان قرار دارد و تلاش در جهت شناساندن گذشته‌ای روشن و مبتنی بر پایه‌های هویتی آن، راه نزدیکی در جهت رسیدن به همگرایی فرهنگی است. در سال‌های پس از استقلال

همواره کشور تاجیکستان از داشتن روابط هم سطح در امور فرهنگی با ایران استقبال کرده است و باید در گسترش چنین تقاضاهایی تلاش شود.

۲- پایدارسازی ویژگی‌های فرهنگی

به یقین تلاش‌های فرهنگی آنگاه می‌توانند مؤثر واقع شوند که از پایداری برخوردار باشند و فعالیت‌های کوتاه اثر، هرگز نمی‌تواند در جهت تقویت روابط فرهنگی مؤثر باشند. ویژگی‌های فرهنگی مشترک بین دو کشور قابلیت پایدار شدن را دارند و به آسانی می‌توان با کمک شیوه‌هایی همچون اعطای فرصت‌های مطالعاتی، اعطای بورسیه‌های تحصیلی متقابل، ترجمه و چاپ کتاب‌های سودمند به پایدارسازی سیاست‌های فرهنگی کمک کرد. پرداختن به فعالیت‌های مشترک پایدار، راهی است که می‌توان با گذر از آن به هدف دوستی و یکدلی و روابط پایدار دست یافت.

۳- تلاش در جهت اعتمادسازی

ایجاد اعتماد در محیط روابط فرهنگی اولین پایه گسترش روابط است. فضایی که در آن فعالیت فرهنگی انجام می‌شود غیر از فضای فعالیت سیاسی است. ایجاد ارتباط بین اندیشمندان دو کشور تنها زمانی ممکن است که بر بستر ثابت اعتماد متقابل بنا نهاده شود. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، سفرهای متعددی از سوی مردم تاجیکستان به ایران انجام شده است و گروه‌های فرهنگی متعددی بین دو کشور مبادله شده‌اند و هم اکنون دانشجویانی از این کشور در ایران به تحصیل اشتغال دارند که همه اینها مبتنی بر اعتمادی است که در گذشته پایه ریزی شده است و اکنون نیز می‌توان با افزودن بر دامنه این اعتمادها روابط فرهنگی را افزایش داد.

منابع

الف- فارسی

۱. آکینر، شیرین (۱۳۶۷). اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ترجمه: محمد حسین آریا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۷۰)، ملیت‌های آسیای میانه، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
۳. ایراس (موسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز) (۱۳۸۵)، «جمهوری تاجیکستان»، تاریخ دسترسی ۱۳۹۱/۸/۲، برگرفته از سایت <http://www.iras.ir>
۴. کولایی، الهه (۱۳۷۲)، اتحاد شوروی از تکوین تا فروپاشی، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
۵. ملک شه‌میرزادی، صادق (۱۳۷۵)، تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
۶. موجانی، سیدعلی (۱۳۷۹)، «گزارش سفر صادق خرازی معاون وقت وزارت خارجه به تاجیکستان»، مجله دیدگاه‌ها، سال ۱۴.
۷. منتظمی، رؤیا (۱۳۷۲)، «نقش ایران در نظام جدید آسیای مرکزی و جنوب آسیا»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۶.
۸. خبرگزاری میراث فرهنگی (۱۳۸۴/۶/۲۱)، «تاجیکستان و سال تمدن آریائی».

ب- انگلیسی

1. Rubin, Barnett R., in: Mandelbaum, Michael, (1994) **Central Asia and the World**, (New York: The Council of Foreign Relations).
2. Calabrese, John (1994), "Iran: and her Northern Neighbors: at the Crossroads", *Central Asian Monitor*, No. 5.
3. IRAS (2012), "Iran and Tajikistan", Available at: <http://www.iras.ir> (5 April 2012).
4. ICRO (2012), "Iran's Relations with Tajikistan", Available at: <http://www.dushanbe.icro.ir>, (accessed on: 13/12/2012).
5. DOLAT (2012), "Cultural Unity between Iran and Tajikistan", Available at: <http://www.dolat.ir>, (accessed on: 19/10/2012).
6. Farhangenaghz (2012), "Farhangenaghz", Available at: <http://www.Farhangenaghz.persianblog.ir>, (accessed on: 13/12/2012).
7. Eurasia net (2011), "Tajikistan and Iran: Is Dushanbe Distancing Itself from Cultural Cousin?" Available at: <http://www.eurasianet.org>, (accessed on: 7/3/2011)
8. Word Press (2012), "Iran, Tajikistan to Expand Relations in all Fields" Available at: <http://tajikistanfocus.wordpress.com>, (accessed on: 28/5/2012).
9. Presstv(2012), "Iran, Tajikistan Call for Enhancement of Relations" Available at: <http://www.presstv.com>, (accessed on: 29/5/2012).
10. Asia Times (2012), "Tajikistan Wary of Iranians Bearing Gifts" Available at: <http://www.atimes.com>, (accessed on: 30/3/2012)

11. New Europe(2012), "Iran is Reliable Friend of Tajikistan" Available at:<http://www.neurope.eu>, (accessed on: 18/3/2012).
12. Pravda (2012), "Russia, China, Iran Close Ranks in Tajikistan", Available at: <http://english.pravda.ru> (accessed on: 30/ 10/ 2012).

Archive of SID